



امکانات خارجه

ششم شهر بهیشت از لندن ستریمبرگین بن باب  
 و پروس ایس انگلستان بر عمارت پنترتیر نموده انهار  
 است در عمارت چمن بازش ابوس سانس اولی شتر  
 زن بازش کمال رس انگلین بر که دو سینه آینه  
 تقریرات خود انهار داشته که سارش آلمانیا مکن  
 اگر نفع اختیارات و اشتیاقات شود  
 در انگارات بدید که لندن رسیده سلوم میوه  
 زمین تجارت که از طرف اسپانیا در پاریس شرکت  
 من با غیرین منت ایستاده اند مجلس صلحت  
 پس سوره اند که دولت اسپانیا حکومت خود را بر  
 اینده قائم فرموده داشت  
 ایس حکومت ایراله آلمان از روی آل ایسی فنس  
 بر سبیل از امر سوره اند  
 از کبر ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۷ قیدین اسپانیا بر من خود باز  
 سوره اند و هزار هزار قیدین بر من سوره اند  
 بهنر بهیشت از لندن از تقریر که در ستریمبرگین  
 در عمارت پنترتیر نموده اخبارات فرانسه بر  
 ولی اخبارات آلمان سرورند  
 وزیر جنگ دولت انگلین لار و لندون در تقریرات  
 خود بمقام اپلا و سوتیه انهار که فرج را زیاد کرده  
 دولت انگلین من باب محافظت ملک نظر ثانی بقت  
 نامه و بعد ازین از لنت استغالی آواز در باره صلحت  
 فراموش  
 وزیر جنگ انگلین انهار داشته که وقت آن رسیده  
 که قلاع خود را به تره های بدیدار است و منو قائم  
 فتح سودان به نیست شده ولی اکنون آواز در  
 لندن فرجی تمام شده  
 من باب از یاد قشون در پس لار و لندون مکه  
 است که یک هزار از زمین انقون با من انگلین گرفته  
 در و نیهای وی گنارند  
 در ستریمبرگین در ایس در کفر بکارت از امدالت پاریس  
 حکم کسک سازی داد  
 پادشاه پیش منو سار و از شده است که بر  
 در کماله عمل نموده تحت حمایت خود قرار ده

مهدی خودانی بنامه ۱۸۰۱ میل در منجیل  
 ایس انوار کرده ایس جزو ملک سودان است  
 جماعت قلیل با قدری اسلحه و سامان نژاد موجود است  
 فقیر با منافق متفرد و بی جلد و از انوار  
 دولت روس در بند و آرتنر با کمال محبت  
 بندی میکند و نیز با نهایت گرمی شول بافتن راه  
 آهمن بر چاک میا  
 کلک چین از قوم مخوفین زیاد می دهد و مرتب  
 بدزد و کور که زن با کار فرما خزان و امان خود  
 بند دستکین مبلغ شانزده لک مکانی بسیار  
 سینه اند و سینه ای که کرده  
 از قشون ظاهر شود ولی جنگ در انظمین  
 چون قتل با هوادار پادشاه چین بوده باز سینه  
 نخواهد رسید  
 میگویند قاقان چین از غل خود منوم است از  
 کفر از است حمایت دولت انگلین میاید ولی  
 سپاهیان دید بان و مانع آمده  
 در ۱۹۰۳ در توکیو پای تخت ژاپون بخت  
 تجارت نایتگاه بسیار باشکوهی خواهد شد  
 بواسطه جافالی مصارف جنگ ایس چند کرات  
 آن قرار داده در عایام در کمال خوشی قبول کرده اند  
 وزیر جنگ صریح میون و چهار صد هزار  
 انتظامات بدید سودان خاکسار شده  
 نامورین انگلستان بیاعت سوره و سیولند  
 منع نموده اند بدین سوره معلوم نیست  
 اخبارات انگلین میگویند در عرصه نیست  
 سوره بزرگ که نیست دو ملیون پانصد هزار نفر  
 در اورد از سلطنت عثمانی خارج شده صرف نیست  
 میون نفوس دارد و پادشاهت سلطنت عثمانی با  
 است در دین مسلمان اخبارات بر صوفی  
 خود را ظاهر کرده بحقیقت سخن زانده اند  
 دولت روس شروع بافتن راه آهمن (لار و لندون)  
 در چین نموده این راه آهمن سوره یا بند را  
 دولت انگلین حق ساختن راه آهمن سوره (انگیزی)  
 را ممال کرده این دو سوره (رومن) در (انگلی)

دو کاستی ایوسته بیکر و استه شد در انهای  
 دولت انگلین کال استه از خود در مصارف آن  
 موجب گرفتار لندن لیون صلح اسپانیا که  
 بوده از چند روز پیش از امرات صلح اسپانیا  
 اسپانیا سوره جنگ نیز مطالعه میکند سزا  
 تصرف خواهد شد تا چند سال در این  
 طمان ملات خواهد کرد و چهار کالی ایله  
 ده ماهه قتلان فرقی شده بود و کالیها  
 هشتم شریک از فرانس سلوم میوه و ک  
 ایس لیون و لار در دیال از دولت آ  
 فیلان فرانکا نیست  
 در شنگهای (لار و چار لار سوره) انهار  
 که در واره مصروف چین خنده لار و سوره  
 کمال میل با دولت انگلین است و با  
 ظاهر میرد و میگوید که حالت  
 انگلین در چین سوره هم است  
 سوره (انگیزی) چین را انوار  
 لار و سوره ایستار انگه دولت  
 چاک چین حاصل نموده و در ق  
 سیاه قرانند و ایتالیا و مسال  
 در معاهده تجارتی ایتالیا از مال  
 ایتالیا انهار ایتالیا در ک  
 خیال بران است که این معاهده  
 در مسالات سیاسی هم بود  
 در و لاکاوی طامون ظاهر شده  
 طامون انعامات و کور سوره  
 در ستریمبرگین طامون طامون  
 سوره و انجمنی اسباب مخالفت  
 دار و شبان صری انگلیس  
 قسطه نمایان  
 انقلابی که در سوره اسپانیا  
 رض کرده قرار برین است که در  
 ایس سوره ایس از سوره  
 نامورین اسپانیا که در  
 و منو نیست ایس اسپانیا

دولت آمازونی الهبار داشته است که  
اولیج تجارت خسته از وظایف بیست تمام و در مفتح  
خواهد بود

الدولت سیهوری تر نوال حکم نموده که مردمان آسیا  
در بس درون شهر مخصوصا بازار و مکان ساخته سکونت  
نمانند از سکونت اندرون شهر ممنوع اند

پادشاه حبش فیاضله در خستی ساسل نیل غیر زود اما  
برگس و فرانس و ایتالیا نیز در راهی او شرکت دارند تا  
امریکای انگلیس هم مقیت آنها را اختیار نموده است

در ایسکل کس بیج در دادن برک و تقریر نموده که  
ستوری نیست که دولتین انگلیس و فرانس من بابتین  
سر مدبر و اختیارات خودشان در قاهره اتفاق نمانند

پد افتاق که چندی قبل سیاه دولین شایر الیها برده  
شده است پس از الهبار داشته است اگر فرستاد  
انگلیس و فرانس از قشون خود حال نماید مسانرا هوشید

مصرفه یافته ناید

مالک آینه دولت ایتالیا مسنده فرامیست ایسالی کلون  
ایره مسرج داشته و در پیغمبر ۱۸۹۸ شده الهبار میشود که  
چاره ملیون کمی خستند است

درو اسکلتن الهبار شده که مقصود از افتاح اوج بیست  
در فیلان آنست که ملک ال التبار دول سازه هم مثل  
که ملک ال التبار خود را بکار قرار خواهد یافت

بیست استماع و فصل ساله اگر یک یا عدالت محکمه  
فرمی و ۱۲۰ هجری آینه مسنده خواهد شد این مقدر نیز  
متعلق بد ایمن بیاست

جست و ساز گشت با در روزم پنجمی رتبه جوشان  
چندان زمین نموده

و هم در حین ام دی بیست تا کی از طرف دولت برک  
استوین شده و فر سابق در کس امور تجارت که راستا  
و بیست دولت آمازونی الهبار نموده که تمام دول تجارت  
وظایف در قریه سادات را خواهد داشت

آخسته لاهور دول را بر سر قرار برین داده اند که بیرون مانند  
در گریته غم داشته

روزه فرسیده که در زمان دولت ثمانی بیست گمانی که با  
انگشتان آمازونی ملکست بیسالی پیش نموده اصلاح

در اواخر اسکار شده الهلیت لملانی را فرود نموده  
دایم روزه تر بر آنچه در تصدیق میخوان کرد

بسیست بیست شدن به ارلمان دولت آمازونی  
عوضه آبی رتبه شده و آن عوضه داشت برین شده

که باید ملک (هوانی) لغی بد دولت نموده آمازونی نود  
و بیست و نواویان با در این زمانه ملی بهره

### اخبارات تلگرافی

چنان معلوم میشود که گلستان در بعضی از فرق سردیها  
تمام شده عودت میدانی نموده است

در مسکه بجانب موات حرکت نموده بود بار داشته  
فلکت که فاد و ضرورت نشود

فسون فرمای پس از سیاحت کون بندر قریه  
کمال بریزانی و جوشش را مردمان بر سر ایستان نموده

مظنون است که اگر حکومت هند قوم وزیر بر  
سزکولی کند ایبر افغانستان در نادیب آنها کجور شود

په سوار عمده آری رفته افغانسان داخل شده از قشون  
فارت نود که در آن کجور اند چون وزیر رسان ملی محکمه  
هند شده افغانسان ملاحظه و سعی با دولت انگلیس

میست

بسیست تمام ملاحون از شهر در اس قبل از اینها  
داکر از لندن طلب کرده بود در این ایام در قریه  
طلب کرده اند

چهارشنبه گذشته در شهر بخور چهل هفت نفر بمردکی  
ملاحون می هشت نفر کشته اند

بسیست سجده ملاحون ر نهایت خستت بدل  
بسیها این ایام در بعضی اسم ملاحون است و اگر کجور  
کردی با در قدری وقت دارند و نهفته روی هم رفته

روزی خوشتر قریه زیاده از ملاحون تلف شده است  
پسین ایام سال گذشته قبلی خستت است حینت عمومی  
نیست نه است کی از او اگر با مسکه به علامت کجور  
ملاحون از بعضی رفته نیست که در بعضی خوشتر کجور  
بلکه وجود ندارد

خواب در برابر سیاسی حکومت هند را الهلیان  
داوه که در مقابل گلستان تا ارگ کانی دیده کا  
موقوف گاری پیش بر آنه برود

در ملاحون و صوبه در اس بود در شهر است  
و قریه بیکدیور همی از مقامات خجی این مخلص برک

پوز نسبت یکی در هفته قبل ملاحون زیاده داشته  
کرده که ارجی رسم مثل بعضی اسمی از ملاحون باقی است

بیز برمت و کران  
در بالیور شام با ندهم شهر جاری در چند مقامات نذر  
محموس شده

دور نیست اسال بویبر ملاحون کجور نمی شوند و صورت  
شود با در مقام دیگر تیدیل هند ملی تمام در شمار اسب کجور  
تکلی وقت

در اصل نمک در اس سال گذشته و ملیون هفت هزار پوز  
اسال حالت بالیه در اس نسبت سال گذشته ملیون  
دویست هزار و پوز اضافی شده

در بعضی و کر این ایالت به بیست تمام مقامات  
جاری است دور نیست که در سازه و هم جاری شود  
و چهاره بر فیه ای با نده مردم و مانیکند که این کس را

به هند ملی ملاحون برده است  
در سرعه هند بعضی از مقامات هم تلگراف را پان کرده  
مقدار زیاد می از آن برده اند ملی قوی تمام و در

### کالکته

این ایام شباب روزی کلکته است از اطراف کلکته  
هند بیست تمیج و میر دین و در کشته ای اینم کجور

کلکته هم هنوز خبر رسیده و بعضی از تبه برده و اسهال  
ادک مشکلات دارند که سلامت است مجور بر جوشان  
العالمی همین دوزده معلوم میشود

### جوشان

بیر مسیک با و جوشان امیر الاموال و السلام محمد علیان فرزند  
خستت است باج کلکته که اگر کار کانی کجور کجور کجور

تیر فرستاده که در جوشان را و در جوشان را و در جوشان را  
لهان خاسته و در راه جوشان را و در جوشان را

بساک هم در قریه شریک است و در جوشان را و در جوشان را  
و در جوشان را و در جوشان را و در جوشان را

در جوشان را و در جوشان را و در جوشان را

در اسلام و اهل بیت (علیهم السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) بیست و نه روز... بر روی سپهر زمان... در وقت نماز...

تشیح عثمان (فوق)

کتاب تاریخ... عثمان بن عفان... در وقت نماز...

علت این برهم... که در حدیثی است... میسبب فقره اول... که در کتب مورث...

مقصود این سخن... در حدیثی است... از حدیثی است... بیشتر در آثار...

این سخن مقدس... از حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است...

در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است...

است مسلمانان... در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است...

در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است...

در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است...

در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است... در حدیثی است...

تاریخ سلطنت شاهنشاهی ایران

تاریخ سلطنت شاهنشاهی ایران... در این زمان که شاهنشاهی ایران در اوج عظمت خود قرار داشت...

تاریخ سلطنت شاهنشاهی ایران... در این زمان که شاهنشاهی ایران در اوج عظمت خود قرار داشت...

تاریخ سلطنت شاهنشاهی ایران... در این زمان که شاهنشاهی ایران در اوج عظمت خود قرار داشت...

بخت بد است بخت زمان یکی بر این چه چاره که  
 هر یک که آید چاره در آن ایات بخت زمان  
 مشکلی که نمی شود بخت زمان فرج شاکر ده ام پر شیب  
 مرغ پر خورده آید با غنچه رفته خانه و بر سر این  
 فیصل و عواشه و بخت زمان تو که بخت رسول چاره  
 توان ایالت که خدا را بکشیم یدم افغانه نیست بجا  
 ده و ششتم نام فرشته از پر سیم و نه که فدای ده  
 قرابتی دارم پس بترانست یک قرابتی بیستم که این کسی کرد  
 که رحمت بیانات تو که سید و هفتم مبتدا و کشت از  
 ده به خود صرف میکند یکسبیب دولت و اهل شده  
 و کسبش آسایش استخوان آینه ملت رود (ما نظیر)  
 تو که ماکتول است بر این ایلی قوی لیک علم ملک  
 از ای امرو ز قنی است چه به و تمام با این محاسره برات  
 با اندکی انصاف متواضع باور کنیم زیرا که وزانی که مانع  
 خسته فازی بود نه تمام سنج کلات سوری و سوزی در  
 صرف احمد بابی درایت صرف در سخنان عجب رجب  
 دلالت با اثرات امسی از نوره علم قنیه استوار ازینجا  
 و خوشی از ظاهر نظام فصاحت ازده تیس از قنق فائق در  
 حسن اقتضات اقتضات پیر و آینه را بعد مطلق  
 متعذر در علم سخنان و بیان سببانی را قابل بیان  
 در سخنان تیس کوی سابق از همان ادیس بر روی  
 در حسن فطانت بلغان بر سینه روزگار با قوت در بر مادیها  
 و نهی پس اگر این سخانات تو را در حکومت بجای لگست  
 پر بخت داشت که با وجود وجود این وزیر لیک لاشک  
 و ادای تمام را تبه تو بطور معلوم بود و یکقدر وزیر  
 سیم انگلستان که از اعتماد دولت لقب داشت زینجا  
 سواری چینه فقر فزایش در سلو و عقب تمام این کلای  
 و نشسته در مقل را چنان رنگی کرد که دست ایام ازینجا  
 تکلیف سالیان در از ما جز است آخر الامور با کرد  
 سلطان فرشته شجاع را که فدایش را این یاد را کرد  
 از دشمنان نهی سلیمان در قنق سلیمان از سال برین  
 بخت چهارده ماهه در این بزم از دور برات برست  
 در سینه جلیل برست این ازین دنیا زبان درازی  
 که کسبش ازین چه سینه درین بر سر و نه با شایسته  
 که است است هر یک که اگر سیم هم در هر چه تمام

در اردو قائم بود دولت ایران و چاره این که در جوان  
 اردوی خود میگویم ای تاریخ مسلم ای سینه فدا نام  
 از چو بختان عالم تیرس یکدیگر این که بخت پانی  
 احتیاج کوفه کیشتر بود لیکر که تو می سالها جز  
 روزگار بماند نیز خواهی گفتان منم فلان ملخ سخن گمانی است  
 ولی شأن او اردو حکومت بقیه نیست یکی خلق نیاز  
 جبر بر سیم که با میکند این شهر های در عالم ستاد  
 سفارده از انشمن با علم فرم خواستیم چون انبار اینست  
 بزرگه روز نامیات است روز نامه جات کای از این  
 فرق العاده دارد و لذا میدان محل اتمام نیست الی اگر بطا  
 با واقع باشد از ملکات پسندیده مشهوره و آثار قدسه  
 محسوسه فلان امیر منلی در راست کمر با معانی  
 آب باران خورده باشد تا اینج و نیاساکت من آیات  
 و عاشق مغز برات بطور یکبار اشاره منو من بنده  
 نگارنده این کلمات که کرده خاطر رجال بزرگان ایران  
 بنوا هم و قطره من تو به باطنه ششم و بیست و پنج  
 این بیست عالم چیری نیکویم زیرا که نور سهار بدوی  
 آفتاب بر روشنی دارد و در هر چه در بازار هر چه بر این  
 که در پس تصور از زامت باز شدن نیز الحال قدر  
 و خدمت بر نهالان بستان انسانیت است در ۲۵  
 جمعی بود که آن پادشاه غیر منند بزم تیز برات  
 ۱۴ شهر صفر حرم بیایع نگارستان فرمودند بعد از این که  
 مسافرت اعلی حضرت و عمارت برات بطور کشیده  
 تحت را تحکمان را از وقت گارینی های خسی خورا  
 نام کرده و مبسوم در یافت حضور و اتمام بقیه در ملک  
 پریشکی خود ۱۳۰۰ از لجه دارد و روی کیوان شکوه شد  
 در سنی نهاده ام و سرحد باز کرد که با شاد و آینه شکر  
 برات شکره حال قبل مطلع بود و خیر راجع بطرف  
 سعادت بازی چسب چینه شکش در این  
 زانو که با رقیب سوزان با کرد و خسی جیب است  
 با اینچه معلوم است دوست از دشمن نشنیدن در اول  
 دست تمام قدر ترا حقن و خیال و سینه و روزی  
 مغربی و دیارهای مسوق رقتن باری در زانیکو از خدای  
 این بیله کلهای مسوقی اهل بود با یک سینه سینه  
 این جهان مغان و جان بر اندا که بریند و آله بار و دم

باعتقال شناخته شده و در این روز که در شب چهارم  
 بهال سکت متقل امسلی شخصی بدست با دولت  
 نمود که در کلای بار باره چند شهر است در کلایان کم  
 برات در تمام سوزان کم و طبعانه با سکت لک لک  
 مانده در سیر اصول استبدان بدون سکت سکت می  
 کار داران از که خدایا که بیست و سکت کنس با پنا  
 مقصود دست در کرده و در شهر برات خیرت مال بر لک  
 بعد از در در شهر صورت علی که از طرف کا در ان دست  
 انگلیس نشان سینه امینت نموده او را چندی قسلی از دو  
 بن فرستاد (اخبار دارد)

(بخارا)

بغزای که از خسته اسان آن نفعه ماسله از خسته رسیده است  
 مطبی از بخارا در قوم داشته اند که بسیار با سبب و جری  
 همه چند و یکل کل دارد و اله که در کوشش در شغل است برین  
 باب اصلا با دره الهی نذاده است علی چو ستم شایسته  
 این واسله را کاشته و داده و مل و ثوق است بهین ثابن  
 واسله را در ج می نایم خود ما حالا سکت ابریم که از  
 اطرا رای نایم ناکتوب کل مخرم ما ازینجا سار برسد  
 (مرا سله خراسان)

جناب میر محمد جل المین دام قباله چو من خیانت شما  
 کمر بخت بر اتحاد اسلامیان بنده شمس روز از تو  
 خطابات و کلمات تا به آینه که در رنگ اشک دارم از  
 با نیت ستم که چشم از حق پر شیم و آتی گویم ستم نهی  
 در اسلام نوز نوز نه و الله سوز شده از کلمات خطابات  
 نوز نه شما که بنود این مسیح ای اتحاد اسلام و کهنیک  
 و دولت محملات اله علیه در بند و ستان ستم  
 عراق عرب کل مالک محمد الکا فرامی آمد ولی درین ایام  
 از بخارا جزی رسیده که والا حضرت امیر بخارا سوز را و آن  
 مکی در باره رعایای سکر و دولت ایران در سزارانده  
 بسیار با سبب اسفند فرخو ان اسلام و ستم و ابرام شده  
 که با در باره قلم و کان دار نامی و ستم سوز که سوز  
 دستند حکم افسوس از بخارا فرموده اند و در شاه کل الله  
 فعالیت کل دار و در ستم مکی که در ستم ستم  
 در زانو آن در لیکر و در در حضور حضرت امیر ستم  
 اسفند ستم ستم که در ستم ستم ستم ستم

درست می گوید که از آنکه از آنست که مردم در آنجا سکونت کرده اند  
 برآید و بعضی که مانع شوند و زبان یا گوی می کنند بنشینند  
 اینست پس قریه طایفه که دارند اطمینان آفرین  
 هستند که چنانچه عالی مندری از دولت می گویند  
 ایران که از روز بلاطه قریه میت است دولت امپراتوری  
 عظیم الشان است چنانکه ملاحظه منظر آن دولت را در  
 ذائقه با مشاهده ولی در برابر ملاحظه دولتی و  
 و ظاهر اطمینان امپراتوری دولت رسیده باید کرد  
 اینست که چنانچه عالی در باره چار تا سا فریب اثرن  
 که اسباب آید ای ملک شاهنشاهی منفرات القه برودت  
 کردن نیست روس که از روز نهایت استی را با دولت  
 ایران دارد و اگر از آنجا بود که رعایا و دوست دولت  
 او را که همه کاسب و دوکان دارند یک مکتبی که تمام  
 دوست است از خاک خود نمی نماید راست است  
 یکفیه یاد و نظیر ایرانی بی سر و پا هر چه پیشش فرزند  
 ساخته بدوی در خانه شخصی رفته مصدر خطای شده  
 اول مادی این ماز را رعایا خود مان بودند دوم در دنیا  
 گرفته شدند بسم در هر قوم خوب است کیست  
 بدان چشم از خوبی خودمان کسی بی پوش باری گم  
 دادند و اسلا واسطه هم قبول کردند لا بد این بیچاره  
 که طلب را باز داشتند تنیده داشتند طایفه ست  
 عریضه کی بقدر نسل ایران در مشق آباد کی بنای با لک  
 ارض الدوله و برقرار ایران در پلوز برگ کی هم چنانچه  
 چایوش شاهنشاهی نوده رعایا از حق آباد پلوز برگ رسیده  
 و آنها رسیده دولت روس شده و چهار صد شان  
 موقوف شده ولی پسند جوایز و تهنیت ارشاد نشاهی  
 زنده باری چون سکار طالب اجارات همه جا و باری  
 اسد میان بسته هم چشم روشنی بکار این و جبهه عرض  
**(جمل المبتین)**  
 اصل را به روی کردیم سطل اختیار و کسل خود از چنان  
**(مسکالیه سیاح ایرانی)**  
 روز شازده هم عنوان نمود  
 ایرانی در روز وقت ناگزیر شد که در با کس  
 از آنکه در خصوص ملاحظه می بیند و با همگان

تمام برسانه اگر تحلیف باشد مگر از آنکه در بیان  
 هستی - اما صاحب مقصود بنامین بود که خراج کشا  
 مطلق بر او است این عمارت است و در ملاحظه  
 اطلاع خود را بعضی از کیفیت آن بیان کردم و در کجاست  
 شنی نموده است از خانه  
 ایرانی - درست است همین بر اطلاع سالی مهال آن  
 دارم ولی هر چه نیک مطلق از کیفیت سیاست الی ای  
 و دل اینست بنوم که آنچه در وجه تجاری و تجارت در ممالک  
 فارسی بسیار از خلاف اهل ملک که از شهری که  
 او پیدا شده و تا شصت هفتاد سال در آن نشو و نما  
 کرده اند که از آنها پرسیده شود - بدی که دور او قامت  
 برود شکل واقع شده و چند شایع عام و چند که در آن  
 می باشد و در وجه از طول عرض واقع شده و بار اقیانوس  
 آن آبادان بنشینند آنچه رسیده مالک مینه  
 بندی - مال که سیل در یک چشم عین نیکم بیایع  
 موصوف می زیند که از جمله عمارت مکتبی که دیده شده  
 بیایع کاخ است سر پرشده که مغان عمارت مددی  
 در پشت بهشت عمارت کلاسیکی بنامه که تا نماز  
 چهل ستون راه دارد و قابل هر که خمیده خمین است  
 و از یک گوشه این عمارت چهل ستون بزرگ و چنانچه  
 بزرگی که از راه دراز دولت میگردند درین حیاطان  
 عمارت بیار جوی دارد که از آنجا اش خاز میمانند  
 عمارت دیگر هم بنوم زیاد استان پس از آنکه رسیده  
 بدو از دولت راه دو آینه در یک راه میروند  
 بحد پار سوق شیراز نهاد از راه دیگر دارد و بیایع  
 کهنه بنوده و همه محل تخریب الملی امپهان این بیایع است  
 که در مسیح بدی این اصول نمایان دیده شده و شروع  
 این بیایع از روز دولت است این بیایع در پشت  
 و آن ملی است که در روز مانده بنشیند و در بعضی این  
 قسمه با کسی نوبت مشهور و طول آن تقریباً دو مایل دور  
 طرف آن حیاطان ملاحظه است از درختهای گل و درخت  
 چنار و زمین بر گل کاری و زمین درختها چنانکه از انبار  
 مستطیل است بنوی نوی و بزرگ شده که اندوه  
 طرف نمایان بر چه آورده و شکل مانی زرد و بن  
 سلسله این شکل برای تخریب کنندگان شده است و از

در وقت خرابان ایامی متعدد در آنجا  
 بیایع بنشیند بیایع محبت بیایع شمس آباد بیایع شازده  
 در روز بهشت بهشت در روز دیگر هم دارد که نام آنها  
 از خالرم گرفته است در روز بیایع و بار بار به بندهم  
 درین حیاطان واقع است که از جمله عمارت عمارت است  
 و آن هم قفسه کج که فریبست و در دست این حیاطان پیاده  
 و وسط آن برای سوار است و در طرف پیاده در باقی  
 سوار اهل درخت در میان حیاطان جوی آب جاریست این  
 جوی با تسلی میزند بر ضعیف بزرگی از انبار جاری می شود  
 بسش تپیل این بیایع از سائین منفره ساخته و در پهل  
 تمیز می شود یعنی انبار به درخت برای مالی استهان آ  
 در هر سیم و شام درین بیایع پیشتر و تخریب شده اند  
 در سردر های عمارت بیایع و غیره نیست غیر همین مطلب  
 و سائین مقهور را به که مصلی با می کنند و شاد و عا می بینند  
 سنی پیشتر صد و پنجاه زرع طول و در  
 عرض دارد که با جسد حکم ساخته شده و در اطراف چلی نشا  
 شده که اهل شهر روی آنها نشسته تا شای آب می کنند از  
 چلی که مسور کرده و از روی بنویسار بیایع دیگر که آن بیایع  
 بالا میگردند و این بیایع بلا قدری از بیایع اول که مصلی  
 در عرض و در حیاطان او مثل است این حیاطان شروع بیایع  
 زرنگ است که بیایع بسیار است و در عمارت عالی دارد و  
 تخریب که بسیار خوب است و غیره بیایع هزاره است که  
 در زیر که مکتب واقع شده است از طرف بیایع سردر  
 متعدد دارد و مکتب است از درختهای چنار و گلشنی و کله  
 و این بیایع را بنویسار عا ن مستعد اند و مکتب مکتب  
 کی یکی از بزرگ را در کان تکیس اول و چون از بیایع است حال  
 مسلم و نو کرد و دستت تمبر نموده و مکتب مکتب بیایع  
 همه را بر جیب دارد و اغلب آن بیایع شمس و شمس  
 و در است لیکن بیایع زیند و تخریب عمومی هم نیست که  
 سیل دارد و در روزی در گذر نیست و بیایع حیاطان  
 کمال اقدان و لشکر مازندران و کوه از راه در روز دیگر دیده ام  
 که کوشه بیایع را حکم مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
 که سیل مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
 از بیایع مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب  
 بیایع مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب مکتب

سوازی و دیگر هندوستان است تمام این باغ عراست  
 از کل دریا چین و اشجار و آبهای جاری بسیار در آنجا  
 جویها جدری گل سرخ تربیت شده که با فرق آن متغیر  
 بنشیند و چند دستگاه گلاب طرکشی درین باغ موجود است  
 و بقدری بودینه و لطافت کار جویها روئیده است که اگر  
 جهر و حق آنرا بکشند می توان سالی سبلی گزاف از آن  
 فایده گرفت لیکن با کسی لطفت این در نیست و در  
 در باغ عمارتی عالی تطبیق ساخته شده است آدم کربلا  
 عمارت بیرون تمام این باغ و کوه صفر پیش نظرش جلوه گرا  
 در میان باغ آبیایی آبیست که از باغ هزار جریب میگذرد  
 همچنان آب در باغ تقسیم میشود و صف این زبان و قلمی  
 عجب عالی از اهل اسفهان دیدم که بعد از فراغ آبیست  
 و کار بسیر و تفریح مشغول میشوند و نغمه بیست نفر زن در  
 بنایک که یک است همه میگردد از دروازه دولت  
 تا باغ همه را جریب تفریح گمان آید و هر کدام در یک  
 گوشه شایع مشغول حرف چای و صفا میگردند و هر کدام بر  
 خواه از غرض و لذت و آوای و بان اگر الاموات نوزد  
 و همبر و از غرضی که تر و مانند باب شرب بسیار پیش  
 میگردد و از تفریح جریب آسود که صفر در زمین  
 قسم خرق و جو و جو و آذ و در پیک از بلاد ایران نکرده  
 و بعد که از اهل اسفهان دیدم مذکوریم و آنچه بعد و شرف آنها  
 بیست سخن سلوک مالک آنها بود که در آن در حق آنها سلوک  
 میگردد و میگفتند زیاده از ده سال است که مالک اسفهان  
 در اطراف رودخانه عمارت خوب اردو که از جمله آنها  
 بهفت است شایسته که از این سلاطین مغزیه است  
 و عمارت و محل سکونت پادشاهان ایران بوده و جلیلان  
 بهفت است ده خانه را در پادشاهی میگردد و این نام برای  
 آنست که در زمان شاه پهلای سبب محرم هنگام تفریح و تفریح  
 از میگردد که جلوه رودخانه را میگردند و قشک آب بلند  
 میشد و در حق میگردند که شیشهها که آماده کرده بودند آب  
 می انداختند و میگردد و دیگر از جمله عمارت عالی عمارت  
 آینه خانه است که پهلوی عمارت بهفت است واقع شده  
 منیل عمارت باشکوهی میباشد و میگردد پادشاه عالی  
 کس در زمان و سیاحت ایران کرده ام و در این عمارت  
 و ما شکر ده است و دیگر در جنب همین عمارت بهفت

ت که حاجی میرزا حسین خان صدراعظمی ساخته  
 و دیگر عمارت نکست و آن است که در آخر در دهانه  
 ساخته شده و تمام این عمارت در دست عالم است  
 و تفریح گاه آنهاست همه آباد است باالی اغلب آنها  
 سلاطین مغزیه بوده و وقت آنها تفریح از پنجاه کرد و از  
 کتیش در در این خانه میرسد و در بسیار بزرگ عالی  
 که در طبقه ساخته شده و آنرا چل خوابی گویند و این چل  
 از تمام جاهای ایران معتبر تر میباشد و نزدیک این چل  
 قری میباشد که االی اسفهان صاحب قدر از بزرگان  
 میداند و شغفه که هر کس بر سر آن قدم نهاده  
 در آن شب بخدای خوبی از پلوه و غیره بهره و در مشوینا  
 سبب که تفریح بطریق اجتماع و امتداد بر آن فرسکند  
 و شغل فانی می شود که بگذرگی از عرابه بسیار در  
 و اطراف قبر اجداد اسفهان تیرات خوب نموده ازین که  
 رو بشهر میرود و داخل دروازه میشد و جنوب دروازه  
 چل ماجرا است از آنجا دارد میشود به چار باغ صدری  
 که صدراعظمی بعد از خدای خان در اسفهان آباد  
 کرده و این چار باغ هم قری از چار باغ گفته که است  
 لیکن دلیل زیاده است همچنان اصول و وضع که در  
 چار باغ گفته که گفته شد از زیاده و درخت و گلکاری و  
 باغچه ها و در سه و سه در ساخته شده و تمام اطراف  
 دریا چین و در فتهای چار است لیکن در فتهای چار  
 که چکست آینه تربیت شده است البته چندان  
 به خوب خواهد شد و اطراف این باغ تمام اطراف آنها  
 و همه از برای سنگ دارد که در چار باغ گفته است  
 و این چار باغ وصل میشود به چار سوق فغانی که بازار  
 بسیار خوب است و این بازار متصل میشود به بازار بزرگ  
 فی البقیه از بناهای صدراعظمی اسفهان و بهفت  
 و در کل امدت نموده در صدراعظمی اسفهان مشهور است  
 سبلی گزاف صرف آن نموده و دیگر از جمله عمارت  
 مشهوره مالک تمام مردم در او حیران اند مناجات  
 اسفهان است که تمام مال بهفت است و خارج شهر اسفهان  
 بین سلاطین سبلی سلف است بهفت هموم بکلاه و  
 در آن ده بنجره میباشد که میگردد پیری و بکلاه فغان  
 و بالای قبر آن پیر عارفی ساخته با ایران بسیار در

در دو طرف ایران دو سار است که از بزرگتر همه رود  
 یا زیاد و فاعله و از بزرگه مطلق هم بود و یکی از این مناسبت  
 و آن را حسد که در ده بنجره آن مناسبت و مناسبت دیگر که در  
 مقابل سبک است منسبت است که با این سبک  
 است معلوم نیست و در تاریخ ساخته شده حتی االی از  
 درین کله نجب تفریح از تحصیل زیاده در اینست که  
 نوشتن در آید نوشتن کی بود مانند دیدن خیل خیمه و بافت  
 تصدیق ششادم که چون در شاهزاده بد شدم امید خود ام  
 منده و انشاء الله مافیر شوم  
 ایرانی خیل منون و شکر شدم البته در تاریخ  
 باره که در اسلام  
 (تبریز)

از تفریح بزرگوار از راه از تبریز  
 و آگاهی حاصل نمودم اسفهان را و در دست چندان کسان  
 و غیره که باقی اصول این انتظام است از احوال کافی  
 و اهتمام آینه و الا حضرت علیهد و ولت علیه ایران  
 و جناب میسر کار کل ملک آذربایجان میراث شایسته  
 مانده است تمام حال حضرت است همه بلاد و هر یک  
 هر روز مبلغ کثیری از طرف مبارک بن خداداد ایام محرم  
 و مساکین سفایند و در بنای آنها شمع میشود منسبت  
 و کا کونی و حیدر مدس طهرت از شش شهر با ایران مبلغ  
 خیری از حضرت خودشان بطریق مساوات مایل و فغان  
 دستری حضرت فرمودند و جناب سید الله و در زیر آینه  
 ایسان که در اول رجال دولت ملینه و یکجهای برای خدای  
 در سلطنت علی فتیله و مسرت از آینه  
 حساب سلسله که در تفریح و در تفریح ایشان تفریح انامی است  
 علیه میشود و در وزارت آذربایجان مستحب است  
 دارد تبریز و من در دروازه جانب حضرت است همه بلاد  
 تفریح و احترام ایشان معلوم آید از سالی سالی ایشان در این حال  
 در آن دو تفریح که در ایصال حقوق از باب غایت پر از خدای  
 در سوم صاحبان سبب فغان از فعل ایران حکمت فغان  
 بعضی الفایه مرتب منظر االی از قاص و دانی این مرتب  
 شکر و دعا گوید

(صعدت)

در نزهه ۲۹ سال هم ریاست بکار شد در تمام فغان



زنده بودیم تا آنکه حضرت امام علی علیه السلام در مدینه  
بسادن الملک

بیت و در میان همه وزارت و ولایت را تمام الملک  
زنده بودیم وزارت در این ایام شاهزاده نصر السلطه عازین

### کرامت باری دولت علیه ایران

در سینه ایضا جناب امین الدوله در همین منی قبل از آنکه  
زنده در عرض هیئت امیر شهر را ایشان شک ایوب  
پیدا بود چهار تا جنگی دولت بیدار گشتن خلیج فارس  
مانند قزاقان از آنکه شهر ساخته بود و همکار دولت  
هم در شهر حاضر و مستعد بودند و این امر آید تا نزد هم  
باری انانولی بود

حضرت اشرف صدر اعظم چند روز قبل از انقضاء مدت  
دوگرو و نیم از خدمت دولتی بیرون آورده تویون یک  
شاهنشاهی کرده بحال اتمام قدر شریف فرمائی حضرت  
از آنجا ساخته و حکم فرموده قزاقان را بهار هم فرستاد  
پس ازین خدمت نمایان کرد و واقع آب قدر از لرزانه  
و لغزه لذیذ از خلق آنها کشیدند و خدمت دولت  
همه در غم بود

ایلی حضرت امیرس هایدون شاهنشاهی با دست مبارک  
یک قطعه قمر مرصع که مخصوص ایلی حضرت هایدون و یاد کاوشا  
شهر مدینه سید نورالدین خدیجه و بر دو شش مبارک او زنده بود  
از پیشک مبارک بیرون آورده بجناب صدر اعظم و دست  
و اعطاف نمودند و یک اقیانوسی در دولت بزرگواران  
نیتت بحمد اللد از رحمت طوکانه و توفیق حضرت علی  
علی خلیج فارس و مدد و از مدخله انگلیس با آسوده گشته  
تمام رعایا از صمیم قلب شکر کردند

جناب امیر الدوله وزیر امور خارجه مورد مرام شاهزاده  
در حضور مبارک باطلای یک توب سرداری تن پوش  
از خلع خاصه متعز و ابل آمده

جناب حکیم الملک وزیر مملوکات و امینات پیرس  
الاطیبه حضور هایدون که از رجال محترم دولت است  
بروز رحمت و مکرمت و عطف طوکانه در باره خبری  
بر حسب تصویب مزارت علی باطلای یک قطعه طردان

مرصع مکلن الماس از جوهر خانه خاصه متعز و سرافراز آید  
نصر السلطه امیر اکرم این چند روز در مسیبا با زنده  
مقدس طوکانه برای سرکشی خاک و ملاقه و اتهام دیگر  
حکومت تنگنا بر حسب گت کرده پس از مدتی از  
داشته و این بار اللاد و خاها مندا

شاهزاده نیز الدوله بواسطه سابقه و مکرمت مشابه  
این روز بار حسب راه طوکانه بحکومت میشارد  
و مضامین روانه شدند

شاهزاده مؤید الدوله امیر تومان بواسطه مرض  
که برای محمد تقی خان فقیر السلطان امیر تومان امیر  
عراق مرغ داد و نتوانست در آنجا استقامت نماید  
شاهزاده و مسلم حسب راه طوکانه با ایالت مکرمان  
عواق و کده و کدار و گلپایگان و خوشنار روانه شدند

بیت از احمد اقبال الملک که از ارکان محترم دولت  
بر حسب تصویب حضرت مزارت علی بحکومت اریتر  
و سلاطین نوبی و باطلای یک توب بجهت مرصع از وضع  
خاصه متعز و سرافراز این روز در شرف حرکت است  
عازین السلطان پیش خدمت امیر رفت از باشی  
کرامی سر زنده آقای موق الملک البند و از باشی  
همایونی و پیش سو قوف در سه آمدی مورد بدل هم  
آید باطلای یک توب سرداری تر مرصع از وضع  
متعز و سرافراز آید

تخصیر الدوله وزیر مملوکات مبارک که نظر محسن ایلی  
و کاروانی موجب بدل و عطف کامله آید باطلای یک  
توب سرداری تن پوش سرافراز کردید

جناب امیر الملک وزیر علوم باطلای یک توب  
سرداری تن پوش سبایی و منسج کرده  
مخص بروز رحمت و مکرمت و عطف طوکانه و بطلب

الماس بگوگاری در باره جناب آقای امیر ازین العالیین  
امام جمیع طهران بواسطه فوت زوجه محترمه ایشان  
عیب و السلطه بنیت شاه سعید نورالدین سعید روز  
چهارشنبه دویم شهر جمادی الثانی بر حسب تصویب حضرت  
مستجاب شرف صدر اعظم از سینه تحویل ذیل بجهت  
مرصع خان مقصد السلطه امیر تومان پیش خدمت خاصه  
همایونی عطای شاهزاده رحمت و مکرمت و بطلب کجا

نوک گاری کرده

جناب امیر محمد انکشته الماس از جوهر خانه خاصه متعز  
آقا زادگان کرام فیه ذوق و باطلای  
جناب امیر از حضرتان بین الملک پیش خدمت هایدون  
ایضا دل و زار تنهار بر حسب تصویب مزارت علی  
و جناب امیر امور خارجه باطلای یک توب بجهت  
از خلع خاصه و ریاست کل امضاء کرده طاکت کرده  
و سرافراز کردید

جناب عیب اند خان ساد الدوله سردار اسد که از جنگ  
صدیق دو توار است بر حسب تصویب حضرت مزارت  
علی بنصب بحکومت ایالت است آید و در خواجه  
باطلای یک توب سرداری تر مرصع از وضع  
بجهت علی آقا خان امین صورت پیش خدمت خاصه متعز  
و سبایی آید

### (طهران)

بجهت استعانت شکران در امیرس هایدون آقای  
انتظام السلطه مجلس ساری باشکوهی در هفته اول جمادی  
الاول عقدت فرموده بودند حضرت مزارت علی و  
آقای امیر الدوله و جناب حکیم الملک و جناب نظام السلطه  
و تمام شاهزادگان عظام در مجال مسلم دولت رونق آفرید  
بوده و از آن مسلم آنها یک یک شاکران را معرفی در  
تعلیم تحصیل نموده بعد یک یک را استعانت گرفتند اقبال  
در سه علیه و ابتداء که همواره روز را باه اندک تحصیل  
کنده بود بعضی از استعانت بیرون آید که اساس  
مانند مجلسیان کرده از وضع مدنی حضرت مزارت علی  
همه به عرض خود و مکتب شمعنا افعال اطلب سینه نمود  
و از روی کمال لطف تهنان سیکر قنده بنویس که شوق طحال  
یک برده شده بعد از استعانت کامل و توفیق بطلب  
عصا بر سینه منتقل شد حضرت مزارت علی بر میده است  
زیاد از سماعی بسیده آقای انتظام السلطه که مدتی است  
ایرانیها باشند پانصد تومان نقد اعانه بر این برده بود  
فایده جهت استعانت از آنکه در این هم رحمت فرموده آید  
از توجیهات کفیه مزارت و اوقات کار آقای امیر الدوله  
مکرمان دار الخلفه از آن روز بروز در اندک با در اول  
از جهت و عطف مکرمت باره حال بدلی قایم است

(بند عکس)

چنانچه هم عادی الشانی که سعادت با عید برود ای حضرت  
قدرت شاهنشاهی بود بوجوب عمل خشن بسیار خصلی گرفته  
خان ایب الکر در عمارت کلاه فرنگی خشن بسیار  
مخفی گرفته تمام ایمان و تجمار و در زمان راه و دست بطلب  
شربت شیرینی زیادهای هم صرف شده که سال در بندر بکا  
عید مولود شاهنشاهی را باین شکوه و شکوه گرفته بود  
نادر بار بار از این بینه چه افغان بسیار خصلی شده بود  
گرفتند و عمارت حکومتی اسباب بسیار چه افغانی بود  
مردم همه با آواز زنده با شاهنشاه با درود و سرور بودند

(حقیق)

وقایع نگار بنده میس می نویسد که ۹ جمادی الثانی یوم  
شنبه ساعت پنج عصر در مسجد بزرگه قشمر حریق واقع شده  
دو بیست و چهار خانه سوخته کلی مال مردم تلف شده است  
ازین سیرت ابتداء از خانه شخصی علی شروع شد ساعت  
عاشق شده از آنجا خانه حکومت که شیخ حسن با میر  
گرفت و هزار شک بر خانه داشته وقتی آتش بنگها بیه  
سره که میگردد شکر خدا را که این سیرت در روز واقع شده  
بگرش بود بسیاری از مردم هم طعم این میزان نماند  
بعد از زلزله که انانی امالی شتم از خوف خانه های بخت نشانی  
که از اوقات زلزله در زمان باشند دل فاضل از جای الهی  
که با تمام فتنه با ما رفته اسکندره

(بصه)

ولادت با سعادت اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران  
خسکه الله ملکه و خضره که سعادت بر روز سحر و در شب ۱۳  
شهر جمادی الثانی بود و کار پرداز خانه بسیار که جشن با  
شکوهی گرفته و یک و یک و یک و یک و یک و یک و یک و یک و یک  
ساعت چهار شب تمامت بوسی مترجم بود و کار پرداز  
خانه و اطراف بیرونی آنرا زمین دار آیش راه بود  
روز سحر و من از ساعت چهارالی شش تا سحرین تمام بود  
ولایت بید و اجنه از عسکر و ولایت عثمانی فردا از در  
السنه رسمی بر من تمیکت بکار برداری آمده و بعد از هفت  
الی یازده غلامی اعلام و بختار و اتباع دولت با و دولت  
علیه ایران اسکان شکوه و حینت بکار برداری آمده و من  
حسرت که اینست و با کانی دولت با و بیات است

دورف شربت شیرینی نمود و روز شنبه با افغان با  
شکوهی با قادی و فخر بنس الوان مشهوره و الواح بزم  
اسام رنگهای خوب که در یکی از آنها نوشته شده بود  
دارت تخت هم آنجا که شش طفره شیرینی کتی تان  
در لوح دیگر نوشته چو شده و در سلطان مغفان  
همه که کبک فتح و فخر بنس الله در لوح دیگر نوشته  
ولادت با سعادت پریمت اعلی حضرت قدر قدرت  
شاهنشاه ایران السلطان ابن السلطان ابن السلطان  
مطهر الدین شاه قاجار مملکت مکه عموم این بود  
ابالی شهر از ساعت هفت و زالی چهار از شب بود  
در خصل کار پرداز خانه و در بزرگه و در تمام نموده  
شوقی تا شاد و استماع سوزیک بود و در اشراف مملکت  
بیز در آتش و مجلس کار پردازانی حضور داشتند مش  
این جشن سعید بود در نظام شکوه بود در مصارف  
که اسالی کار پرداز از ترتیب اوده بود و از با افغان  
زمانی که کار پردازانی دیده شده بود و عموم اهل بلد  
اتباع دولت علیه ایران از حینت دولت پرستی  
کار پرداز اسکان شکر را دارند

(مکتوب)

در مسئله تحراه و روزی که کربک الیوز در دولت مجلس  
قماش که در کربک دارد شده بود در تمام ایالت کبری سپرد  
و خود میو شهر آمده در کار و من هم عیده عدل از قشما  
سراغ کرده گرفت با خود میو شهر آورده است و در هفت  
است که رسا در چهار برج اسباب استخاف اینست  
بیانشه  
روز اول الیوز کبری رسا بیابان بریا یکی نوشته که  
از حضرت سوال کنید که این تحراه که عمل شیراز کرده اند  
از کجا آورده اند  
جناب بریا یکی هم رسا در همه حضرت نوشته که از کجا  
چنین ستمی کرده اند  
جوابی صحیح صاف صاف بریا یکی نوشته که ما  
سه هزار و دو بیست تومان از حالهای ما طلب ایم  
این روز ما عجب که دم که در بر این همه حضرت است  
و کبری قماش من داده که کف دست طلب در این  
حینت با ایشان با عیان می ایم

دیگر من مکتف نیم که این قماش از کجا است  
فلا الیوز کبری در کار این است که اثبات کند که عید  
بکاره غرق شده و حال شهبانها افزا کنند که با صلح بود  
باجار و نیزه بکاره داده افزون کرد و هم اگر این طوره شد  
پول بر بیسیع این فسله و اسطالیه صحا چند کرده و نگاه  
طرافت را کند و اعوانت آن قدر تراخی که از  
سیان رفقا است فرایند گرفت و تسلیم و کس میرد  
او هم صاحبان مال خواهد داد و آن مبلغ سه هزار بود  
در صورتیکه تحراه فعلی شیراز و کار دولت را هم گیرند  
ولاکن آن قسم اول شکست ثبت شود تاکنون که چهار مجلس  
استخاف شده افراد کرده اند و تا قسم رادی مستعد  
که چهار غرق شد قماشها را بعضی با کف ختم و بعضی با کف  
که بفرود شده

دیگر عیده و اول هم نمودن از لندن که در من  
دارد خواهد شد  
از قشما این ظاهر میو که پس از گرفت سه هزار  
آنوقت میرد و الا صاحبان و در خواهد داد  
و آنجا که ادم با غیرت این واقعات سر اهدون کند  
شده می در خصوص... و بشه نوشته بود هم خیال کرده  
از روی خود غرضت و حال اگر حقیقت طلب بود  
انسانیت قسمت که اگر یک کل زیاد کم داشت اگر بنا  
هر کجایی با در ایران مثل کجایی فارس بود هر کجا  
کجایی مثل مابی عبدالمن مودی باشد ایران کتانیست  
(مکتوب انبصره)

خدمت میرا دار محمد من جمل التین بمصدع بنده  
چون میرا داده و از شئونات غرض عاری دانسته و میرا  
و من پرستی و حینت ایشان استیلا شد... با سعادت  
آن لازم آمد غرض که حینت تمام حینت آید انکه  
و در شب ۲۳ شهر جمادی اول ۱۳۰۰ هجری قمری  
سلطان اکبر در ۱۹۰۰ هجری قمری رابع با اول سهره منو  
و میرا در اتین کرده بود و حینت میرا دولت من و حینت  
بسیست استخار و خاطر شریف شرح میدهد او ای که در  
باب سلوئی تباری در قوم داشته بود و با اسلاف  
شده بود ولی مشایخ اطراف و حینت بود و بی جان  
سادات زود و زمان در بر شهر بود و است

مردم ای صبه نیز از سلسله شایهها مطلع شده و چنگ کار بر پا  
 خیزد و ارشد کردی لم پی را احضار کرده حساز استخلاق کنی  
 در تبار او توقیف نموده ادعای نیبندگی کشش برده بود  
 مصطفی بن عباس را در محاکمه نموده در حضور بنای آقا محمد تقی  
 سراف ششبه دست خود نیبندگی تسلیم شد  
 در باب جنازه با اشارت نموده بود که در بصره سبک  
 خورده است تحصیل آن اینست زاینکه کرده و لم پی برای  
 تخراب نیبندگی توقیف بود معاذین کرده و ادعای نیبندگی نموده  
 که کرده و جنازه را در محله بیخیاه توان گرفت که چه  
 در بخت اشرف من نماید اما حال جنازه پاید نیست کما  
 شایهها را دست گیری نموده سلطانیه جنازه را کرده  
 بعد معلوم شد معاوله با کرده و نموده در سخنان نام جام نیبند  
 قضایست با مسلمان بنای این معاوله را نموده و در جنازه  
 آورده و فرغانه خود قتل کرده بود در سخنان فرور را حاضر  
 و کین مستغیری را از او گرفته برای ایمنان ترشیب جنازه با کینه  
 فداش جنازه نام فرستاده و جنازه را از بصره حرکت کرده  
 در و از بخت بکلف نموده شاه حال معاوله در حضور جنازه ما  
 اینست که بیکه تمام بخت اشرف سید علی نام ابن حسین  
 رضی تو صبه نوشته شد که با اطلاع او و من شود می تحریر است  
 نیز از طرف حکومت عثمانی گرفتار آمد آن روز در جنگ  
 آقاسی صبره است این چه قاصیل سخنان جنازه با بخت  
 اشرف سایه و قبض رسیده و من جنازه با را از  
 تمام فرور آورده ایک سو او را برای استخار عالم  
 عالی لغا فرستادم استنباط نام هم با سخنانی صبی از  
 موافقین با داده رسیده که از روح آن چشم پوشیدم  
 در باب هزاره و در بصره چاه زمان تخراب که تخراب  
 شوشتری در محله بکرو نام لم پی داده بود که بیاید  
 بصره تسلیم و کلاهی آنها با بصیرت شایهها تخراب فرود  
 می آورده با من ترا از الوصیب رفیر با بخت از نکالک  
 عثمانیست بعد الحسن لم پی پسر سلمان که تخراب ایران است  
 تسلیم نماید زیرا که بعد الحسن لم پی بلدان صلح با کرده پس آنکه  
 از حرکت ابر الوصیب نموده آورده بکرو و در بصره همیشه این  
 که از اشیا فراری بکک بایں طور با کونان آنها آورده آن  
 بود که بعد الحسن تخراب فرود آنکست بعد از آن آورده بکرو  
 تسلیم نماید که در محله را بخت نموده از بعد الحسن

تخراب را سلطانیه بنای صبه الحسن بکلی تخراب میاید  
 کرده و رفته بر بریت ابو الوصیب شکایت نموده  
 بعد از استخاف طرفین کرده و بصره آمده و مشغول  
 بجار پردازی لطایح داده کار پردار کیفیت اهلان  
 که روزی بود خود شش ماهه عارف با شادالی جبهه  
 الهیار نموده و بنیامین را طلب نماید و بعد هم  
 رسا بولایت رفته و حال کمال است که انصاف  
 در خصوص میان کار پردازی و ولایت خنای است  
 رو بدل میشود و حال بعد الحسن نام که تخراب صبره  
 ایرانست و این تخراب کلی بل مردم را خورده و تخراب  
 تسلیم میدهند تخراب را و تحصیل نمایند این است که  
 تحصیل آن شده فرقه که در روزنامه مبارک درج شده بود  
 من اطلاع عالم مبارک در محترم جناب المیتین صحت بکلی  
 فرور را با بنابر مبارک نموده (۲۰۲۰)

### سیاحت اعلی حضرت شاهنشاهی

بموجب اخبارات اعلی حضرت قسطنطنیه و سایر بلاد  
 شاهنشاهی ایران اعلی حضرت سلطانیه در ۱۹  
 میوادی سیاحت روس فرانسه و فن آفرود خواسته  
 اجازات ایران تا کمون درین امر چیزی نوشته نیز  
 وقایع کار این جناب المیتین درین موضوع با آشنایان  
 (گرمیت)  
 بر چه کسی وقایع کار جناب المیتین از اسلامبول میسر  
 سادگرمیت هر روز رنگ تازه اختیار میکنند تمام اول  
 فرنگ و بکلیت عملی و پولیک سلطان جیرانند و بدو  
 که دول ابرو روس عکس فاض ایتالیا کرم در ساد  
 گرمیت بودند و ظاهر اتفاق داشتند رجال دولت  
 علیه بگرامات پولیک نرم اعتبار نموده از گوشه  
 و کنار هم کارهای خود را مستحکم نموده و بیکدیگر در اتفاق  
 دول رسید هم ترغیب انداخته یک مرتبه از خطای  
 مخالفت را نهاده تا کمون نظام آینده گرمیت با  
 معلوم نیست چه خواهد شد سعی اخبارات که میسرند  
 دولت علیه عثمانی گرمیت را در مقابل بیکدیگر و سول  
 که از فرسوده ظاهر متعذر صواب نیست بکلیت  
 روس و برای سابق گرمیت این خواهد شد از سلطان

نموده دولت عثمانی با باز و قیام معلوم شده  
 سلطان فرموده بود که در بصره مقامی از گرمیت نیست  
 که بجز شهبان مسلمانان آورده شهبان این روید که  
 نخواهم شد که استیلاهای اسلامی ازین بصره بشود  
 شود ازین بخت معلوم میشود که دولت علیه عثمانی تا کنون  
 از گرمیت نخواهد که دست ملکه افات و تراب را برین صبره  
 نیست آنچه متفاد میشود در باطن فرانسوی دولت مخالف  
 متفق شده دول ثلاثه نیز بولی برده مجبور از حق را  
 مناسبی در این وقت رای قائم نمودن در بصره

### اینده گرمیت نهایت شیرا است (جنرال قونسل بمبئی)

بر چه کسی وقایع کار جناب المیتین از بصره اطلاع میدهند  
 شاهزاده کاشف السلطنه جنرال قونسل دولت علیه ایران  
 معلوم رجب بکرمات موریت خود واروشده در ساد بکلیت  
 حکومت بمبئی بریزانی عمل آمده کمال تمام را نموده اند  
 تجار و بکلیت ساکنین بمبئی هم چنانچه پیش از این بود  
 فراب الا و بکلیت فرسوده که در فرسوده تمام اینست  
 اداره جناب المیتین در و فراب الا را با کمال مرتب  
 بسد یک میگویند

### (اعلان)

(قابل ملاحظه انجمنهای اسلامی)  
 بنده را از در آنتست که از اراک خلیف مقابرا  
 که در ضلع علیکده واقعتا از هزار روپیه آید می  
 اوست فی سبیل الله وقف نماید لکن از تمام  
 اسلامی هندوستان امورات فی سبیل الله  
 چون ۱۸۹۹ اجاره انجمن های اسلامی با بدیه  
 انجمنهای اسلامی استخوان مجلس فرسوده این سگرا  
 موضوع بحث نماید که در ریز سایه دولت انجمن کرام  
 یک از امور حسیه تیمیست مسلمانان الزم است این  
 وقت آنست خیزد شود  
 (۱) استولی آن صحبت میسر است باشد بهتر اول است  
 (۲) با اعتبار راه عام به اصول سده را داده شود که  
 زارین آن موقع هم خیزد شود اما آینده از شده و حسن کار  
 و حق فرود باشد و در سبب خطایست موقع خود فرود  
 خلاف بکلیت است با است (الف)

من بحسب احوال من شده مقرر است که اگر شود  
 در تمامه خاربه المان در باره مملکت خاریش  
 نموده من باب تعلقات خاربه المان در چند امر اولی  
 با انگلستان ذکر کرده باطل است این است  
 شده اینوقت برای آنها و با منکی در تمام مملکات  
 المان و انگلیس آرد دارند این است با آنها و فرانسوا  
 ذکر نموده است که اخبارات فرانسوی درین صدد  
 خیلی بیشتر دارند  
 لاره که چون فتنه افزای بدیهه در تقریرات  
 خود آنها بر چند امر نموده است اول تحفه مسالمت  
 درینستونین تبلیغ تحریک رسیده لیجستان و غیره هم  
 شامل است دوم از راه آهین در میند مملکت  
 مسافت ذرات و تحفه مسالمت نگیند و مسالمت  
 بلندن

**(اخبارات داخله)**

اخبار اینکه از مسافت رسیده ظاهر میار که تا شب  
 و سیر قریه روانه در دیهای بود و خبری از که سناها  
 هم در راه آنها جمعه بود و نباید دید که در مان در  
 دیهای و در جنگی خیل با ابقیه و از راه ابا عباس  
 ظاهر شده که و یانه در غاب دیده) لشکر خود در متفرق  
 خواه ساخت  
 از درگاه مکران سید کوهکلی (دوباب) که زیر آفتاب  
 اماغات حکومت امید است که آتاب بیرون یاید  
 بسیار از مال الهان را آتاب سید کوهکلی  
 این مملکت کلکته میسوسینه که الحمد لله رسیده  
 با حکومت هندیه و بی رفتار میکنند چون اغلب فر  
 ایشان اینسازن بر صبی الهان و سنی و فسادن در  
 نموده فرقه در خیل و در حد و تنگ که از سیکه  
 در (سراکار) برده بوده آورده سلیم نموده و نیز  
 در حد و تنگ که از قون سیرت رفته بود مقرر کرده  
 سنی مشکاک از در کارای و قون شمیری در دوی  
 و بیج مراع از آنها پیدایش قیمت آنها آنچه در سر  
 سین است بیکه مستلزم برده داده اند اینها  
 با نبالا و جت میدارد  
 و در قله افزای منتهی شده صفت خیر این

بعد معلوم خواهد شد اینگونه در حد و تنگ  
 ملامت کلکته سینه است هم بهت بر آورده و سلی خود  
 پس در شرق از قون ظاهر شود که این دوره در  
 بر سال سنی از دوره سالی سینه تا سینه نخواهد بود  
 را بر برده - و کلکته است هفت فراتر میاید  
 لشکر روزی سینه فرامند رفت سایر زبان در اکلان  
 مثل چهار ایوب و سیر و غیره کلکته خواهند آمد  
 در اس از خوف طاعون بر ماییت خود در شروع  
 طاعون کوبی کرده اند تا کنون (۶۶-۵۳) افزاید  
 باشند که در اس طاعون کوبی کرده اند  
 در بر ماییت و سینه ای سرده سوات چون  
 (محبوبین) کمال سنی را نموده و حکمت عملی کجا  
 برده و می برد و در نیست با عازای افغانی مل شود  
 اوام فرساز و سب سوات فرساده اند که فرقه  
 جنگی خیل در ماییت طاعون شده اند  
 مسیح سینه هم در سیر لاره و لکن فراتر میاید  
 سید قوم (دو در) برادر لومین ملاحظه کرده بر جای  
 شده و در کلکته مگر دیده  
 مسرف بندر چنگا و ن سبب جمیع سینه مثل  
 گذشته باز است ۲۰ جنوری و ۱۵ جنوری چهار  
 مسکه خواهد کرد  
 فرقه جنگی خیل رسا داده اند که استان را از تمام  
 (میادانی) اصلاح نمایند و سایر فرق سرمدی که  
 بر سر دین سپاه کرده اند جنگی خیل را بر سید  
 اند نموده  
 از برورت حکم کلکته مملکت هند ظاهر شود که در خیل  
 کلکته در شده و سینه هم به طبعون در شصت  
 چنانچه در پنج هزار و پیر بوده در هر یک از این و در  
 و نظریات مقامات جدید که در باره کلکته شده  
 باض او هر سال امانت خواهد شد قبول سنی ازین  
 اگر کلکته ای را از است قانون و انتظام آرد  
 نسبت کلکته هند را زیاد است ولی اینوقت سینه  
 ملت و نسبت دولت که یکبار فاده در اول  
 پول سینه کردن را باید در کتاب جدید میاوم  
 بوجب خبر که تا نه رسیده فرایز استان را

شکست ناشی شده و یکسه تنگ نیز در میان  
 خدمت قون نواب و در شش و نوزده کیفیت مسالمت  
 رسیده است درین جنگ مان رو باست و فرزند آن  
 و در او را جنگی داده اند

نصرا را به کشید و نواب صاحب بیاد بود و سبب  
 فسادات سوات استند در ظاهر کرده بود  
 در بسیار شده

فوج سینه ۳۲ سله ران کم شده کرده و سینه  
 جمیع سون طاعون برده و شش و نوزده در  
 و سینه و سیر در سیر و باوه کن و سینه و سینه  
 من باب طاعون تحفه ماییت

در کراچی از سید چهارم صرف هم یکسره سینه  
 اکنون در کراچی (۳۲۴۵) جنگی طاعون  
 در ۲۵۳۳ هزار طاعون تلف شده است

شهر بلوچ در سینه طاعون خیل تحفه سینه  
 گذشته در شهر ۱۴ نفر سینه از فرقه سینه  
 در بیادنی (دارد) در سینه طاعون در کمال سینه  
 چنانچه بر م سینه که در خود و سینه فرقه سینه  
 یک فرقه سینه که از کنون در هند در سینه طاعون  
 بر سینه سینه شد سینه آند اند در سینه

سینه از چند روز است که با در سینه  
 نموده ازین روز در سینه از اگر سینه  
 گذشته همین ایام تحفه است سینه اموات عمومی  
 هم نسبت بهین ایام سال گذشته سینه سینه  
 خوف درین دو ماه آینده است بر سال گذشته هم  
 درین دو ماه اخیر در سینه شد که در سینه سینه  
 ۲۳ سینه طاعون سینه فرقه سینه شده است  
 سینه سال است که انالی سینه سینه سینه  
 چنانچه نقصان رسیده بار بار شده اند ملاحظه فرمایید

**کلیات**

برای کلکته موعود معمول بود سینه  
 ولی صفت عمومی او نسبت به سینه  
 و در مریج شکایت از مرض سینه  
 اسب و دانی با شکری و بار بار سینه  
 گرم بوده است (مؤید السلام)